

بررسی نقش بازیگران غیردولتی همسو با جمهوری اسلامی ایران بر محیط امنیتی منطقه غرب آسیا بعد از تحولات ۲۰۱۱ میلادی

علیرضا حاجی عبدالباقی معمار^۱، مجید روحی دهینه^۲

پن‌دیرش مقاله: ۱۴۰۳/۲/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۱۵

چکیده

منطقه غرب آسیا پس از تحولات ۲۰۱۱ م. با مسائل مختلفی درگیر بوده است که «نقش بازیگران غیردولتی» یکی از مهم‌ترین آنها است؛ بازیگرانی که برخی همسو و برخی دیگر در تقابل با ج.ا.ایران قرار داشتند. بازیگران همسو با سیاست‌های ایران از جمله حزب‌الله لبنان، حماس، حشد الشعبی و همچنین حوثی‌های یمن در تعریف نظم جدید منطقه‌ای نقش بسیار عمده‌ای داشته‌اند. این نوشتار با روش کیفی و مبتنی بر رویکرد توصیفی-تحلیلی و با استفاده از مفهوم محیط امنیتی با تکیه بر دیدگاه «باری بوزان»، این سؤال را مطرح می‌سازد که: بازیگران غیردولتی همسو با ج.ا.ایران چه تأثیری بر محیط امنیتی منطقه غرب آسیا بعد از سال ۲۰۱۱ م. داشته‌اند؟ می‌توان عنوان کرد این بازیگران در هر دو بعد عینی-جغرافیایی و ذهنی-روانی، محیط امنیتی غرب آسیا را تحت تأثیر قرار داده‌اند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد در بعد عینی آنها با به چالش کشیدن نظم منطقه‌ای دولت‌محور، ترسیم خطوط جدید ژئوپلیتیکی، افزایش رقابت‌های منطقه‌ای، تغییر در سیاست‌گذاری امنیتی دولت‌ها و گسترش منازعه نیابتی را موجب شدند. در بعد ذهنی-روانی نیز با پدید آوردن الگوهای هنجاری نوپدید، افزایش معمای امنیت و همچنین افزایش قدرت نرم ج.ا.ایران، بر محیط امنیتی غرب آسیا تأثیرگذار هستند.

واژگان کلیدی: بازیگران غیردولتی، غرب آسیا، محیط امنیتی، ج.ا.ایران، مجموعه امنیتی منطقه‌ای.

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب، تهران، ایران.

رایانامه: alireza.memar65@gmail.com

۲. عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رشت، رشت، ایران (نویسنده مسئول).

رایانامه: majidrohi.d@gmail.com



۱. مقدمه

مناطق راهبردی غرب آسیا از منظر ژئوپلیتیکی در حال گذار است. ویژگی اصلی دوره گذار شامل بی‌ثباتی سیاسی، منازعات مختلف قومی-مذهبی و توازن قوا است. این وضعیت سیال نیز شرایط مناسبی را برای تشکیل، گسترش و افزایش فعالیت بازیگران غیردولتی فراهم کرده است. این بازیگران در انواع خشونت‌طلب و تروریستی (القاعده، داعش و جبهه‌النصره) و گروه‌های سیاسی-نظامی (حزب‌الله، حماس، حشدالشعبی و حوثی‌های یمن) که در چارچوب اهداف و منافع خود، بر وضعیت منطقه مؤثر هستند. تحولات جهان عرب و جنگ‌های داخلی از سال ۲۰۱۱م. نقش و عملکرد این بازیگران را تحت‌الشعاع قرار داد و محیط امنیتی این منطقه را تحت تأثیر قرار داد.

محیط امنیتی مجموعه عوامل محاط‌کننده عینی و ذهنی است که به علت پویایی مداوم بر ساختار، اهداف، اولویت، استراتژی‌ها و تصمیم‌های کنشگران امنیتی تأثیر می‌گذارد و تأثیر می‌پذیرد. از رهگذر این برهم‌کنش، تهدید و فرصت‌های امنیتی جدیدی پیش روی کنشگران قرار می‌گیرد و آنها را در معرض انتخاب‌های جدید برای به حداقل رساندن تهدیدها و بهره‌برداری از فرصت‌ها قرار می‌دهد (آقایی و نورعلی‌وند، ۱۳۹۸: ۷). منطقه غرب آسیا از مجموعه‌ای از بازیگران غیردولتی تشکیل شده است که بازیگران همسو با ج.ا.ایران نظیر حماس، حزب‌الله، حشدالشعبی و انصارالله از جمله آنها هستند که بعد از تحولات بیداری اسلامی در ابعاد عینی و ذهنی بر محیط امنیتی غرب آسیا نقش داشته‌اند. این بازیگران با حرکت در مسیر منافع ج.ا.ایران، موجب گسترش قدرت ژئوپلیتیک ایران در این منطقه شده‌اند.

موفقیت این بازیگران در دستیابی به اهداف، موازنه قدرت در منطقه را دگرگون کرده و به تشدید رقابت برای افزایش قلمرو ژئوپلیتیک قدرت‌های منطقه‌ای منجر شده است. منافع مشترک این بازیگران با دولت‌ها و تبدیل آنها به نیروهای نیابتی، محیط امنیتی غرب آسیا را درگیر منازعات نیابتی در سوریه و یمن کرده است که نتیجه آن، پیچیدگی بیشتر معمای امنیت است. از سوی دیگر، در ابعاد ذهنی نیز این بازیگران فراگرد ائتلاف موسوم به

«محور مقاومت» نیز ویژگی‌های ذهنی، روانی و هنجاری جدیدی را در محیط امنیتی غرب آسیا مطرح کردند.

۲. مبانی نظری و پیشینه‌شناسی تحقیق

۲-۱. اهمیت و ضرورت

موضوع «بررسی نقش بازیگران غیردولتی همسو با ج.ا.ایران بر محیط امنیتی منطقه غرب آسیا بعد از تحولات ۲۰۱۱م. جهان عرب» از چند جهت دارای اهمیت به نظر می‌رسد. از یک طرف محیط امنیتی غرب آسیا بعد از این تحولات با طیف‌های مختلفی از «دوستی» و «دشمنی» مواجه شده است که در روندهای مختلف آن، نقش بازیگران دولتی یا غیردولتی از اهمیت قابل توجهی برخوردار است.

از سوی دیگر، رویکرد ج.ا.ایران در حوزه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی بالأخص در راستای تأکید بر نبرد نامتقارن به گونه‌ای است که بازیگران غیردولتی همسو نقش مهمی در آن ایفا می‌کنند. در عین حال، این بازیگران غیردولتی نیز به‌عنوان یکی از موجودیت‌های مهم در منطقه غرب آسیا دارای اهمیت هستند و نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا می‌کنند. بر این اساس، موضوع مقاله حاضر در ابعاد مختلف دارای ضرورت و اهمیت به نظر می‌رسد.

۲-۲. پیشینه‌شناسی تحقیق

در مورد نقش بازیگران غیردولتی (همسو با ج.ا.ایران) بر محیط امنیتی منطقه غرب آسیا بعد از سال ۲۰۱۱م. آثار چندی منتشر شده است که برخی از مهم‌ترین منابع فارسی و انگلیسی در جدول (۱) مورد اشاره و بررسی قرار گرفته است.

جدول شماره ۱. معرفی و بررسی پیشینه پژوهش (یافته‌های نگارنده)			
محقق	عنوان	روش	نتایج
پیرمحمدی و دیگران (۱۴۰۰)	نقش بازیگران مسلح غیردولتی در سیاست‌گذاری ایران، ترکیه و عربستان سعودی در خاورمیانه	توصیفی-تحلیلی	بازیگران شبه‌نظامی بنا بر ساخت آشوب‌زده خاورمیانه و گسترش جنگ نیابتی در الگوی تقابلی ترکیه، ایران و عربستان از جایگاه

ویژه در سیاست خارجی حامی خود برخوردارند.			
تاریخ سی ساله مناسبات میان جنبش‌های امل و حزب‌الله به‌عنوان الگوی تطبیق و پیاده‌سازی الگوی نظری سه‌بعدی نشان می‌دهد که هر یک از منابع یاد شده، در نزدیکی و همگرایی میان دو جنبش نقش داشته است.	توصیفی- تحلیلی	الگوی سه‌بعدی تحلیل منطقه‌گرایی سیاسی بازیگران فروملی با نگاهی به تجربه جنبش‌های امل و حزب‌الله لبنان	سازمند و معصومی زارع (۱۳۹۹)
ترکیب چندلایه‌ای از عوامل اقتصادی، ساختار اجتماعی، مذهبی، عوامل سیاسی، بحران مشروعیت و مداخله کشورهای بیگانه برای پشتیبانی یا سرکوب گروه‌های تروریستی، به افزایش منازعات دامن زده و باعث ظهور بازیگران غیردولتی در جهان عرب شده است.	توصیفی- تحلیلی	سازوکار تأثیرگذاری بازیگران غیردولتی خشونت‌گرا بر دشواری‌های دولت ملت در کشورهای خاورمیانه	هدایتی شهیدانی و رضاپور (۱۳۹۹)
درگیری‌های نظامی مستمر از اوت ۲۰۱۱م. به بعد در سوریه و ظهور گروه‌های معارض با دولت، اعم از تروریستی یا غیرتروریستی و تسلط آنها بر بخش‌هایی از قلمرو سرزمینی آن کشور، بررسی مقوله شناسایی بازیگران غیردولتی را به	توصیفی- تحلیلی	شناسایی بازیگران غیردولتی در درگیری‌های نظامی سوریه	زمانی و زمانیان (۱۳۹۵)

موضوعی مهم تبدیل کرده است.			
نویسندگان این مقاله رفع نیازهای امنیتی، محیط آنارشیستیک منطقه‌ای، موضوع رقابت و ایدئولوژی را به‌عنوان دلایل اصلی پایداری و دوام اتحاد میان ایران و حزب‌الله لبنان برشمرده‌اند.	توصیفی- تحلیلی	ائتلاف ایران و حزب‌الله لبنان: چه چیزی به بقای اتحاد و نیابت کمک می‌کند؟	اکبرخان و هان ژائوینگ ^۱ (۲۰۲۰)
خواستگاه و اهداف بازیگران غیردولتی همچون حزب‌الله لبنان، حماس، القاعده و داعش و گروه‌های وابسته به آنها از جمله مواردی است که نویسنده سعی در تبیین آن داشته است.	توصیفی- تحلیلی	بازیگران غیردولتی در خاورمیانه: خواستگاه و اهداف	کریستوفر پی دالاس-فینی ^۲ (۲۰۱۹)
نویسنده در این مقاله به این می‌پردازد که چگونه نقش بازیگران غیردولتی، تحلیل‌های سیاست خارجی را تحت تأثیر قرار داده و از این منظر بایستی در رویکردهای سیاست خارجی به این بازیگران نیز توجه شود.	توصیفی- تحلیلی	تحلیل سیاست خارجی و بازیگران غیردولتی مسلح در سیاست جهانی: درس‌هایی از بیرون	داروویچ ^۳ (۲۰۲۱)
مقاله سعی در تبیین این مسئله دارد که به دلیل محیط امنیتی تغییر یافته بعد از ۱۱ سپتامبر و بهار عربی در غرب آسیا، ایران سعی نموده است تا از این نیروها برای پیشبرد سیاست منطقه‌ای خود استفاده کند. این بازیگران در جریان چهار نبرد	تجزیه و تحلیل روند یابی	نقش بازیگران غیردولتی مسلح در استراتژی ایران در سوریه: مطالعه موردی تیپ فاطمیون و زینبیون	عزیزی و وزیریان (۲۰۲۲)

- 1 . Akbar Khan and Han Zhaoying
- 2 . Christopher P. Dallas-Feeney
- 3 . May Darwich

حلب، جنوب، شرق سوریه و همچنین پالمیرا و همچنین پیروزی ج.ا.ایران نقش بسیار مهمی داشته‌اند.			
--	--	--	--

بررسی این پژوهش‌ها نشان می‌دهد که بازیگران غیردولتی در سیاست‌گذاری کشورها، در نظم‌های امنیتی و در درون کشورها بسیار نقش داشته‌اند. با این وجود در این پژوهش سعی می‌شود تبیین جامعی از نقش بازیگران غیردولتی در منطقه غرب آسیا به‌ویژه تأثیرات آن بر محیط امنیتی غرب آسیا در دو بُعد «عینی» و «ذهنی» به دست داده شود که از این منظر با تحقیقات پیشین متمایز می‌گردد.

۲-۳. مبانی مفهومی و نظری

روابط بین‌الملل حاصل کنش، واکنش و رفتارهای موجودیت‌های مختلفی است که از آن‌ها با عنوان «بازیگران بین‌المللی» یاد می‌شود. بازیگران بین‌المللی تنها به دولت‌ها محدود و منحصر نمی‌شود، بلکه انواع مختلفی از بازیگران فراملی و فراملی نیز وجود دارند که در عرصه بین‌الملل نقش‌آفرینی می‌کنند. مدت‌های زیادی به دلیل حاکم بودن رویکرد دولت‌محور در روابط بین‌الملل، به بازیگران غیردولتی و فراملی توجهی نمی‌شد. اما در دهه اخیر ادبیات فزاینده‌ای در مورد کنشگری و نقش این بازیگران در روابط بین‌الملل پدید آمده است (اوانت و دیگران، ۲۰۱۰). در دوران جدید، بازیگران غیردولتی که واجد مقدار متناهی از انواع قدرت، ساختار و سازمان منسجم هستند دولت‌ها را وادار به اتخاذ سیاست‌هایی در قبال خود کرده‌اند. برخی از بازیگران غیردولتی به دلیل اشتراکات در «ایدئولوژیک» و «منافع» به سطوح مختلفی از روابط ایجابی با دولت‌ها ورود پیدا کردند. برخی دیگر نیز به دلیل «تقابل ایدئولوژیک» یا «تضاد منافع» از ماهیتی سلبی در روابط با بازیگران برخوردار شده‌اند (زارعان، ۱۴۰۲: ۴۳).

بازیگران در روابط بین‌الملل به «دولتی» و «غیردولتی» تقسیم‌بندی می‌شوند. بازیگر غیردولتی؛ کنشگر و واحد سازمان‌یافته‌ای است که تصمیم‌گیرندگان و رهبران کشورها آنها

را در محاسبات، ملاحظات و راهبردهای خود لحاظ می‌کنند و کارکرد مستمر آنها، بازیگران بین‌المللی و روابط بین‌دولتی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بازیگران غیردولتی می‌توانند تأمین‌کننده خدمات مولد، مفید عمومی و یا مشغول فعالیت‌های خشونت‌آمیز و مخرب باشند. بازیگر غیردولتی با توجه به ماهیت و توانایی‌های سیاسی، امنیتی، اقتصادی و فرهنگی خود می‌تواند در حوزه روابط بین‌الملل نقش‌آفرین و تأثیرگذار باشد. نوع فعالیت و کنشگری بازیگران غیردولتی ممکن است مدنی، هنجاری، نظامی و یا امنیتی باشد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۴: ۸۹-۹۰).

۱-۳-۲. محیط امنیتی؛ تعریف و مؤلفه‌ها

افزایش نقش محیط و رخداد‌های آن در درک مفهوم امنیت و مدیریت آن باعث توجه بیشتر به مفهوم «محیط امنیتی» شده است. تعاریف زیادی از این مفهوم در پژوهش‌های مختلف ارائه شده است.

در یکی از این تعاریف، محیط امنیتی فضایی تلقی شده است که در آن بازیگران می‌توانند نیازهای امنیتی خود را با استفاده از قابلیت‌های موجود در محیط دسته‌بندی و بتوانند آن‌ها را تا رسیدن به اهداف خود دنبال کنند. در تعریفی دیگر، محیط امنیتی عبارت است از:

«فضای مشخصی از عناصر و اجزای حیاتی و امنیت‌ساز که موجب دفع تهدید و تسهیل در تحقق منافع امنیت ملی حاکم بر آن محیط می‌شود» (آقایی و نورعلی‌وند، ۱۳۹۸: ۵).

در تعریفی جامع از محیط امنیتی آمده است:

«محیط امنیتی، مجموعه عوامل محاط‌کننده عینی-جغرافیایی، ذهنی-روانی و انسانی-غیرانسانی ملموس و ناملموسی است که به علل تغییر و پویایی مداوم، بر ساختار، اهداف، اولویت‌ها، استراتژی‌ها و تصمیم‌های کنشگران امنیتی دولتی و غیردولتی تأثیر گذاشته و از آنها تأثیر پذیرفته است. از رهگذر چنین برهم‌کنشی، تهدیدها و فرصت‌های امنیتی جدیدی به منظور به حداقل رساندن تهدیدها و بهره‌برداری حداکثری از فرصت‌ها قرار می‌دهد» (آقایی و نورعلی‌وند، ۱۳۹۸: ۷).

بر اساس این تعریف، محیط امنیتی دارای چهار مؤلفه اساسی است که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌گردد.

(۱) «ابعاد محیطی»،

(۲) «محیط امنیتی»،

(۳) «ابعاد موضوعی»،

(۴) «کنشگران امنیتی»

الف. ابعاد محیطی

منظور از ابعاد محیطی، تمام آن چیزی است که در دو بعد ذهنی و عینی جوامع انسانی و دولت‌ها وجود دارد.

(۱) بعد عینی-جغرافیایی دربرگیرنده تمامی رویدادها و تحولاتی است که در محیط فیزیکی یک کنشگر امنیتی در حال وقوع است.

(۲) بعد ذهنی-روانی معطوف به محیط ذهنی و روانی افکار عمومی، تصمیم‌گیرندگان و سیاست‌گذاران کنشگر امنیتی است. این بعد محیط امنیتی همان حیطه عملکرد قدرت نرم دولت‌ها است. به عبارتی، برآیند و نتیجه تحولات، رویدادها و دریافت‌های ذهنی و روانی است که مردم و رهبران آن جامعه از محیط عینی داخلی و خارجی جامعه خود دارند. این بعد، بسیار مهم‌تر از محیط عینی-جغرافیایی به‌شمار می‌رود (آقایی و نورعلی‌وند، ۱۳۹۸: ۸-۱۲).

ب. محیط امنیتی

محیط امنیتی به دو محیط «داخلی/ملی» و «خارجی/بین‌المللی» تقسیم می‌شود:

(۱) محیط داخلی دربرگیرنده مرزهای ملی، گستره جغرافیایی و منابع سرزمینی، نظام حکومتی و نهادهای حاکم بر سرزمین ملی، جمعیت و ملیت، ارزش‌ها و فرهنگ ملی است.

(۲) محیط بین‌المللی به هر آنچه در جهان ورای مرزهای ملی اعم از دولت‌ها و روابط میان آنها، بازیگران غیردولتی، اتحادیه و پیمان‌های بین‌المللی، سازمان‌های

بین‌المللی، شرکت‌های چندملیتی و غیره موجود است، اطلاق می‌گردد (آقایی و نورعلی‌وند، ۱۳۹۸: ۸-۱۲).

پ. ابعاد موضوعی

تا اواخر دهه ۱۹۸۰م. موضوعات سخت و سنتی کانون مباحث امنیتی و تعیین‌کننده ابعاد امنیتی بود، اما امروزه مسائل و موضوعات زیادی چون آلودگی زیست‌محیطی، تغییرات اقلیمی، جرائم سازمان‌یافته، بیکاری، فساد و... جزء موضوعات امنیتی قلمداد می‌شوند.

ت. کنشگران محیط امنیتی

از دیدگاه محققان، کنشگران محیط امنیتی به دو دسته «دولتی» و «غیردولتی» تقسیم‌بندی می‌شوند. برخی دیگر آن را به «فروملی»، «ملی» و «فراملی» تقسیم می‌کنند. در گذشته دولت‌ها تنها کنشگران محیط امنیتی محسوب می‌شدند؛ اما امروزه کنشگران نوظهوری چون بازیگران غیردولتی نیز مطرح هستند که در همه ابعاد سیاسی-امنیتی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی و محیط‌زیستی حضور دارند و مستقل از دولت‌ها و یا در ارتباط با آنها فعالیت می‌کنند (آقایی و نورعلی‌وند، ۱۳۹۸: ۸-۱۲).

۲-۳-۲. بازیگران غیردولتی، محیط امنیتی و نظریه‌های روابط بین‌الملل

در ادبیات مطالعات امنیتی و روابط بین‌الملل، برخی از نظریات چون نظریه «مجموعه امنیتی» باری بوزان^۱، نظریه «موازنه تهدید» استفان والت^۲، نظریه «پیوستگی» جیمز روزنا^۳ و نظریه «سیستمی» دیوید ایستون^۴ اگرچه با هدف تعریف محیط امنیتی تئوریزه نشده‌اند؛ اما در ماهیت درونی دستگاه تئوریک و تحلیلی خود به نوعی به تعریف محیط امنیتی نیز پرداخته‌اند.

باری بوزان (۱۳۸۹) به‌جای محیط امنیتی از واژه «مجموعه امنیتی» نام می‌برد. وی برای تشریح مجموعه‌های امنیتی چهار سطح «تحلیل داخلی»، «منطقه‌ای»، «بین‌منطقه‌ای» و «جهانی» را از یکدیگر متمایز می‌سازد.

1 . Barry Buzan

2 . Stephen Walt

3 . James N. Rosenau

4 . David Easton

- (۱) سطح داخلی، ویژگی‌های منحصربه‌فرد هر یک از دولت‌ها که علت آسیب‌پذیری آنها را فراهم می‌کند، مورد توجه قرار می‌دهد.
- (۲) سطح منطقه‌ای، دربردارنده روابط دولت با دولت است که پدیدآورنده آن منطقه به‌گونه‌ای که هست، می‌باشد.
- (۳) سطح بینامنطقه‌ای، به تعامل‌های منطقه با مناطق پیرامون اشاره دارد.
- (۴) سطح جهانی، ناظر بر نقش قدرت‌های بزرگ در منطقه است (بوزان و ویور، ۱۳۸۸).

«استفان والت» بحث ارزیابی محیط امنیتی را بر اساس «موازنه تهدید» و در قالب مؤلفه‌هایی چون امکان تهدیدزدایی، ارزیابی قدرت، انگیزه‌های تهدیدزدایی، مقاصد و نزدیکی جغرافیایی مورد بررسی قرار می‌دهد (غریاق زندی، ۱۳۸۷: ۱۰).

در بررسی آثار مربوط به مطالعات امنیتی در دوره‌های گذشته نمایان می‌گردد که در ادراک و برداشت اندیشمندان از کارکرد محیط از یک‌سو و امنیت از سوی دیگر، «جغرافیا محوری»، «مکان محوری» و همچنین عنصر «نظامی‌گری» بر دیگر جنبه‌های آن غلبه داشته است. در این پژوهش نیز در ابعاد محیطی هر دو بعد ذهنی و عینی؛ در سطوح امنیتی، سطح منطقه‌ای؛ در زمینه مباحث امنیتی، موضوعات سخت و سستی؛ و در حوزه کنشگران امنیتی بر بازیگران غیردولتی تأکید شده است و اثرات آنها بر محیط امنیتی غرب آسیا در سطح منطقه‌ای مورد بررسی کیفی قرار می‌گیرد.

۳. روش‌شناسی تحقیق

برای پاسخ به پرسش اصلی این پژوهش از روش کیفی و رویکرد توصیفی-تحلیلی بهره گرفته شده است. داده‌های مورد استفاده در این پژوهش شامل منابع دست اول، گزارش‌ها، تحلیل‌ها و مقالات فارسی و انگلیسی است.

در ابتدا، به بازیگران غیردولتی و تعریف آنها پرداخته می‌شود. سپس، محیط امنیتی مورد بررسی قرار می‌گیرد و در نهایت، «نقش بازیگران غیردولتی همسو با ج.ا.ایران بر محیط امنیتی غرب آسیا در دو بعد عینی و ذهنی» تبیین می‌گردد.

۴. یافته‌ها و تجزیه و تحلیل داده‌ها

۴-۱. یافته‌های تحقیق

۴-۱-۱. ساختار و بازیگران غرب آسیا بعد از ۲۰۱۱

منطقه غرب آسیا به‌عنوان یکی از مناطق ژئواستراتژیک جهان شامل دو زیرمجموعه است: زیرمجموعه شامات که مهم‌ترین بازیگران آن رژیم صهیونیستی و سوریه هستند و زیرمجموعه خلیج فارس شامل اعضای شورای همکاری خلیج فارس به اضافه ج.ا.ایران و عراق. این منطقه قبل از سال ۲۰۰۳م. با محوریت ج.ا.ایران، عربستان و عراق قرار داشت اما بعد از حمله آمریکا به عراق، نظم جدیدی با محوریت ج.ا.ایران، عربستان و ترکیه بر این منطقه حاکم شد.

تحولات بیداری اسلامی از سال ۲۰۱۱م. مجدداً فضای جدیدی را برای این منطقه گشود. در قالب این فضای جدید، برخی صاحب‌نظران امیدوار بودند که پس از سال‌ها کشمکش و منازعه، نظم سیاسی نوینی در سطح دولتی نیز در منطقه ایجاد شود که از نظم و هویت پیشین که مبتنی بر تعارض و اختلاف بود، متمایز باشد. اما در اندک زمانی دولت‌های منطقه درگیر بحران‌های سیاسی، اجتماعی و جنگ‌های داخلی شدند. در این فضا نیز اختلاف‌های تاریخی، هویتی و سیاسی و ژئوپلیتیکی دولت‌های این منطقه همچون آتش زیر خاکستر دوباره شعله‌ور شدند. به‌علاوه، ظهور و پیدایش گروه‌های تروریستی که از بی‌ثباتی‌ها و خلأ قدرت ناشی از جنبش‌های اجتماعی در برخی کشورهای عربی پدید آمدند، نظم سیاسی نوین در خاورمیانه را با مخاطره جدی‌تری روبه‌رو ساخت (روحی دهبته، ۱۳۹۶: ۷۳). نظم سیاسی جدید بیشترین تأثیر را بر ناپایداری شرایط منطقه بر جا گذاشت که با چند تحول عمده همراه بود:

(۱) برخلاف اتحادهای سنتی که بر اساس معاهدات امنیتی و دفاعی میان متحدان مشخص می‌شد، سیاست در حال تغییر منطقه‌ای بیشتر ناظر بر الگوهای غیررسمی و سیال ائتلاف‌سازی بوده و است.

(۲) بازیگران غیردولتی مانند حزب‌الله، نیروهای کردی، جریان‌های تکفیری و گروه‌های شبه‌نظامی با چالش کشیدن کارکرد سنتی دولت، امنیت و اتحادها، نقش مهمی در سیاست منطقه‌ای ایفا می‌نمایند.

(۳) تغییر سیاست آمریکا در غرب آسیا و کاهش تعهدات راهبردی این کشور موجب گشایش فضای کنشگری قدرت‌های منطقه‌ای برای شکل‌دهی به نظم این منطقه شده است.

(۴) تحولات ساختاری در نظام بین‌الملل نظیر افول نسبی هژمونی آمریکا، فضای کنشگری را برای قدرت‌های شرقی مانند روسیه و چین فراهم کرده که بر اساس منافع راهبردی خود به توسعه روابط با دول منطقه اقدام کنند.

علاوه بر مسائل ذکر شده در بالا، می‌توان ارتباط معناداری بین تحولات ساختاری نظام بین‌الملل و پویایی اتحادها در این منطقه پیدا کرد. بعد از پایان جنگ سرد، شرایط ساختار نظام تک‌قطبی و قدرت آمریکا به رفتار اتحادسازی متحدان و دشمنان آن در منطقه شکل می‌داد. طی دهه گذشته با افول هژمونی آمریکا یا کاهش تمایل آن به نظم‌سازی در غرب آسیا، این کارکرد تضعیف شد و قدرت رقیبی جایگزین آن نشد.

به نظر می‌رسد ژئوپلیتیک منطقه در گذار از نظم آمریکایی پساجنگ سرد به بی‌نظمی پس‌آمریکایی رسیده است. در این روند، محدودیت قدرت ساختاری و فقدان ظرفیت اعمال نظم هژمونیک در هر یک از بازیگران منطقه‌ای، آنها را به سمت ایجاد اتحادهای منطقه‌ای برای گسترش نفوذ و شکل‌دهی به مسیر معادلات در غرب آسیا سوق داده است. در این روند، بعد از سال ۲۰۱۱م. امور منطقه در بسیاری موارد متأثر از کنشگری ایران، ترکیه، رژیم صهیونیستی و عربستان است. عربستان و رژیم صهیونیستی به دنبال حفظ وضع موجود هستند، اما ج.ا.ایران و ترکیه با تلقی از نقش ملی خود به‌عنوان دو قدرت ضد هژمونیک، منابع قدرت خود را جهت تضعیف نظم غرب محور بسیج کرده‌اند (کامروا، ۲۰۱۸).

تلاش بازیگران متفاوت در تعریف نقش در منطقه، تغییر قواعد و محیط بازی طبق اراده خود و رقابت شدید آنها برای تغییر ساختار قدرت، در افزایش دامنه بی‌ثباتی در غرب آسیا نقش مهمی ایفا کرده است (روحی دهبه، ۱۳۹۶: ۷۴).

رقابت مذکور باعث شد تا اعتقاد بر این باشد که معادلات آینده قدرت در غرب آسیا در رابطه با کنشگری بازیگران غیردولتی شکل می‌گیرد. پس از سال ۲۰۱۱م، تعدد بازیگران غیردولتی و دامنه و سطح کنشگری آنها افزایش محسوس یافت و استفاده از این بازیگران، قدرت چانه‌زنی دولت‌ها در روندهای سیاسی مختلف را نیز ارتقا بخشید.

۲-۱-۴. بازیگران غیردولتی همسو با ج.ا.ایران

مهم‌ترین بازیگران همسو با ج.ا.ایران در منطقه غرب آسیا نیز حزب‌الله لبنان، بسیج مردمی یا حشدالشعبی در عراق، حماس و جهاد اسلامی در فلسطین و انصارالله در یمن هستند. این بازیگران غیردولتی یک ائتلاف ژئوپلیتیکی در غرب آسیا را به همراه دو بازیگر دولتی شامل ایران و سوریه تشکیل داده‌اند که خروج آمریکا از منطقه، مقابله با رژیم صهیونیستی و مبارزه با گروه‌های تروریستی تکفیری را دنبال می‌کنند.

ج.ا.ایران به‌عنوان محوریت این بازیگران، از قابلیت بالایی در بهره‌گیری از بازیگران غیردولتی در سیاست خارجی خود در شرایط فقدان شرایط برای گسترش نفوذ منطقه‌ای از طریق دولت‌ها برخوردار است. هدف محوری این بازیگران اتصال کریدور زمینی محور مقاومت از تهران به عراق، سوریه، لبنان و فلسطین است.

مهم‌ترین سطوح حمایتی ج.ا.ایران از این بازیگران غیردولتی شامل موارد زیر است:

(۱) سطح کارگزاری: تقویت تعاملات با بازیگران دولتی و غیردولتی مؤثر در محور مقاومت؛

(۲) سطح ساختاری: تلاش برای تقویت موازنه مجدد نامتقارن قدرت در منطقه غرب آسیا؛

(۳) سطح گفت‌وگویی: تقویت گفت‌وگوهای سیاسی عقلانی و تلاش برای گفت‌وگوهای محور مقاومت؛

(۴) طح الگوی تعامل: طراحی الگوی تعامل با بازیگران مؤثر بر اساس الگوی رقابت-همکاری. به معنای همکاری ایران، عراق، سوریه و لبنان و رقابت با الگوهای رقیب همچون عربستان، قطر و ترکیه؛

(۵) سطح اصول، ارزش‌ها و قواعد بازی: تبیین این مسئله که بازیگری محور مقاومت در کشورها با عدم مداخله در امور داخلی آنها تعارض نداشته و مدیریت دشمن و رقیب به جهت اینکه محور مقاومت وارد یک خصومت ناخواسته و بی‌فایده نشود (دهشیری و حسینی، ۱۳۹۸: ۳۰).

۱-۲-۱-۴. حزب‌الله لبنان

حزب‌الله لبنان مهم‌ترین بازیگر غیردولتی همسو با ج.ا.ایران است. این بازیگر از ابتدای تأسیس در دهه ۱۹۸۰م. تحت تأثیر آموزه‌های انقلاب اسلامی تشکیل شد و اهدافی را به شرح زیر دنبال می‌کند:

- (۱) «مبارزه با رژیم صهیونیستی»،
 - (۲) «محو آثار امپریالیسم و استعمار در لبنان»،
 - (۳) «برقراری حکومت اسلامی» (محمودی رجا و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۳).
- حزب‌الله از زمان تأسیس با خدمات اجتماعی گسترده‌ای که در قالب طرح‌های آموزشی، بهداشتی، درمانی و احداث زیرساخت‌های عمرانی ارائه می‌کرد، حلقه‌های اجتماعی وسیعی پیرامون خود سازمان داده است (عراقی، ۱۳۹۴: ۱۲۰).
- رهبران حزب‌الله مهم‌ترین دلایل ایجاد رابطه مستحکم با ج.ا.ایران را در موارد زیر می‌دانند:

- (۱) «اعتقاد به نظریه ولایت فقیه»،
- (۲) «انتخاب جمهوری اسلامی به‌عنوان شیوه حکومت»،
- (۳) «مخالفت ایران با سلطه جریان استکبار جهانی»،
- (۴) «حمایت از مقاومت علیه اشغالگری رژیم صهیونیستی» (محمودی رجا و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۳).

رابطه ج.ا.ایران و حزب‌الله یک همزیستی متقابل بین دو متحد نزدیک به هم است. همزیستی دو طرف را می‌توان در روابط مذهبی، فرهنگی، و سیاسی شیعیان ایران و لبنان جستجو کرد. در واقع این رابطه، یک وابستگی متقابل به‌جای تبعیت و کنترل است.

۲-۱-۲. جهاد اسلامی

سازمان جهاد اسلامی فلسطین در اواخر دهه ۱۹۷۰م. با هدف نابودی رژیم صهیونیستی با مبارزه مسلحانه و برپایی کشور فلسطین با حکومت اسلامی شکل گرفت. اگرچه این جنبش توسط برادران اهل سنت شکل گرفته است؛ اما مواضع بنیادین خود درباره جهاد در فلسطین را از سه محور انقلاب اسلامی، میراث اخوان‌المسلمین و تجربیات سازمان جهاد اسلامی مصر دریافت کرده است. از دیدگاه این جنبش، تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در کشور ایران، اسلام از صحنه مبارزه دور بود؛ اما با وقوع انقلاب اسلامی ایران، «اسلام» تنها راه‌حل و «جهاد» به بهترین شیوه مناسب تبدیل شد (مسعودنیا و قربانی، ۱۳۹۵: ۱۰۷).

۳-۱-۲. حماس

«حماس» نام اختصاری «حرکه المقاومة الاسلامیه» است که در دسامبر ۱۹۸۷م. به‌عنوان شاخه‌ای از اخوان‌المسلمین، توسط شیخ احمد یاسین شکل گرفت. از جمله دلایل تأسیس این جنبش عبارت است از:

- (۱) شکست دادن الگوهای چپ غیرمذهبی در بسیج اجتماعی،
 - (۲) مبارزه چریکی علیه رژیم صهیونیستی در مناطق اشغالی ۱۹۶۷م.،
 - (۳) افول وجهه ناسیونالیستی فتح،
 - (۴) تشدید سیاست سرکوب رژیم صهیونیستی در اراضی اشغالی و لزوم مقابله با آن.
- حماس پس از تأسیس، خود را یک جناح اخوان‌المسلمین در فلسطین معرفی کرد و مبارزات اخوان در فلسطین را عمق تاریخی خود قرار داد (فوزی و بخشی، ۱۳۹۵: ۱۰۰).
- رویکرد حماس در مبارزه با رژیم صهیونیستی، «جهادی» است. اهداف حماس به شرح زیر است:

- (۱) ادامه انتفاضه،
- (۲) آزادسازی تمام فلسطین،
- (۳) خنثی‌سازی قدرت،
- (۴) برچیدن شهرک‌های یهودی‌نشین (محمودی رجا و دیگران، ۱۳۹۷).

حماس از سال ۲۰۰۷م. کنترل نوار غزه را در دست گرفت و شاخه نظامی آن توانسته است در جنگ ۲۲ روزه ۲۰۰۹-۲۰۰۸م.، جنگ ۵۱ روزه ۲۰۱۴م. و جنگ ۱۱ روزه ۲۰۲۱م. با حمایت کشورهای همسو و بعد از طوفان الاقصی (۷ اکتبر ۲۰۲۳م.) با رژیم صهیونیستی مقابله کند. اهمیت حماس برای ج.ا.ایران به لحاظ حمایت از آرمان فلسطین و نگاه اعتقادی به آن، سیاست تقابلی و نامشروع دانستن رژیم صهیونیستی است. نقش حماس در استراتژی ج.ا.ایران در استفاده از بازیگران غیردولتی در غرب آسیا برای پیشبرد اهداف منطقه‌ای و جهانی خود بعد از طوفان الاقصی (۷ اکتبر ۲۰۲۳) بسیار افزایش یافته است.

۴-۲-۱-۴. نیروی بسیج مردمی عراق

«بسیج مردمی یا حشدالشعبی» متشکل از چهار جریان کتائب حزب‌الله، سازمان بدر، عصائب اهل‌الحق، حزب‌الله نجبا و ۴۰ گروه کوچک‌تر دیگر است. این گروه بعد از حملات گروه تروریستی داعش به عراق در سال ۲۰۱۴م. و بعد از فتوای جهاد کفایی آیت‌الله سید علی سیستانی تشکیل شد.

این گروه در مارس ۲۰۱۵م. اهداف اصلی خود را به شرح زیر عنوان کرد:

- (۱) نبرد با گروه داعش،
 - (۲) بیرون راندن گروه‌های تکفیری از عراق،
 - (۳) حفاظت از کشور عراق،
 - (۴) حفاظت از اماکن مقدس،
 - (۵) آزادی مردم از پدیده تروریسم،
 - (۶) کمک به عراقی‌هایی که توان جهاد ندارند (افشون و الله‌کرم، ۱۳۹۷: ۶۵).
- این نیرو در آزادی بسیاری از شهرها مانند فلوجه، تکریت، آمرلی و موصل از گروه تکفیری داعش نیز نقش ایفا کرد. مهم‌ترین نکته بیرونی در شکل‌گیری و فعالیت حشدالشعبی، حمایت ج.ا.ایران است. کشور ایران در مقابله با داعش، حمایت‌های مالی و تسلیحاتی از این نیرو انجام داد.

۵-۲-۱. انصارالله یمن

انصارالله به‌عنوان جدیدترین بازیگر غیردولتی همسو با ج.ا.ایران، بعد از تحولات سال ۲۰۱۱م. در یمن و برکناری علی عبدالله صالح از ریاست جمهوری یمن شکل گرفت. بعد از استعفای منصور هادی رئیس‌جمهور سابق یمن و انحلال پارلمان در سال ۲۰۱۵م.، انصارالله دولت انتقالی جدیدی تشکیل داد؛ اما عربستان به‌عنوان مهم‌ترین بازیگر خارجی و همسایه یمن، با تشکیل یک ائتلاف متشکل از ۲۲ کشور عمدتاً عربی در مارس ۲۰۱۵م. به یمن حمله کرد و یمن به سه بخش دولت نجات ملی به رهبری حوثی‌ها در صنعا، دولت خودخوانده منصور هادی مستقر در مارب و شورای انتقالی جنوب وابسته به امارات تقسیم شد. یکی از مهم‌ترین مسائل در ارتباط با انصارالله یمن، تسلط این بازیگر بر تنگه راهبردی باب‌المندب به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مسیرهای انتقال انرژی در جهان است که این امر می‌تواند حاکمیت متحدان ایران در منطقه را تقویت کند (نجات و دیگران، ۱۳۹۵: ۷).

۲-۲. تجزیه و تحلیل یافته‌ها

۱-۲-۱. ابعاد عینی تأثیر بازیگران غیردولتی همسو با ج.ا.ایران بر محیط منطقه‌ای غرب آسیا
محیط امنیتی غرب آسیا بعد از تحولات موسوم به بیداری اسلامی یا بهار عربی به شدت تحت تأثیر بازیگران غیردولتی قرار گرفت و آنها سیاست‌گذاری خارجی و امنیتی در منطقه را دستخوش تغییرات زیادی نموده‌اند. رهبران منطقه با درک و دریافتی که از داده‌های محیط امنیتی داشته‌اند، با پردازش آن دکترین، سیاست امنیتی، رویکرد و راهبرد سیاست خارجی و امنیتی خود را تنظیم کرده‌اند. این بازیگران، محیط امنیتی غرب آسیا را در دو بعد عینی و ذهنی تحت تأثیر قرار داده‌اند. تأثیرات عینی که بازیگران غیردولتی بر محیط امنیتی غرب آسیا بعد از سال ۲۰۱۱م. برجای گذاشته‌اند را می‌توان به‌صورت زیر برشمرد:

۱-۲-۱-۱. تأثیرگذاری بر نظم منطقه‌ای دولت‌محور

شکل‌گیری دولت مدرن در غرب آسیا امری تصنعی و محصول استعمار در این منطقه بوده است. همواره دولت‌ها در این منطقه مهم‌ترین نقش را داشته‌اند و بیشتر نیز تحلیل‌ها در

محور بازیگران دولتی بوده است. ظهور جنبش‌های اجتماعی از سال ۲۰۱۱م. باعث شد نقش بازیگران غیردولتی با محوریت اسلام‌گرایی افزایش یابد.

این بازیگران که در سال‌های ۲۰۱۱-۱۹۹۰م. نتوانسته بودند به کنشگری عملی پردازند، بعد از تحولات ۲۰۱۱م. با بستری که برای آنها فراهم شد، توانستند نظام دولتی این منطقه را با چالش‌های عمده‌ای مواجه سازند (امام‌جمعه‌زاده و نقدی، ۱۳۹۰: ۷-۱).

با افزایش نقش بازیگران غیردولتی، نظم سیاسی داخلی و محیط امنیتی منطقه‌ی غرب آسیا دچار تغییر شد و دولت‌ها از این بازیگران بهره بردند و با ارائه خدماتی که از اجرای آن ناتوان بوده و یا تمایلی به ارائه آن نداشتند، سعی نمودند عملکرد حاکمیتی خود را تکمیل نمایند (والنسی^۱، ۲۰۲۱: ۲۴۲-۲۳۹). در سوی دیگر، دشمنان آمریکا از جمله ایران تلاش کردند تا از آنها برای شکل‌دهی به محیط رقابتی و تضعیف قدرت آمریکا و غرب در منطقه استفاده نمایند (جی هار^۲، ۲۰۲۰: ۸-۱).

تحقیقات زیادی نشان می‌دهند بعد از تحولات ۲۰۱۱م. رژیم‌های باثبات جای خود را به اشکال جدیدی از حاکمیت ترکیبی^۳ داده و این موضوع پیامدهای عمیقی بر سیاست منطقه‌ای از جمله معماری امنیتی داشته است.

بازیگران غیردولتی شاید به دنبال تصرف دولت نباشند، اما در رقابت برای نفوذ در مرزهای ملی مشخص شرکت دارند. بازیگران مسلح غیردولتی با ادعای خودمختاری استراتژیک از درون مرزهای دولت، خصلت منحصر به فرد و همگن حاکمیت دولت را تضعیف کرده‌اند (یشیلتاس و دیگران^۴، ۲۰۲۲: ۱).

به واسطه همین، دولت‌ها از یک سو سعی می‌نمایند از گسترش کنترل اراضی و نفوذ اجتماعی بازیگران مسلح غیردولتی جلوگیری کنند و در سوی دیگر، در نظام بین‌الملل با قدرت‌های بزرگی مواجه بودند که آنها همواره در تلاش بودند تا از این گروه‌ها، به‌عنوان عامل نیابتی برای مهار رقبا و حمایت از دوستان استفاده نمایند.

1. Valensi

2. J. Harr

3. Hybridized Sovereignty

4. Yesiltas, Kardas & Jacoby

۲-۱-۲. ترسیم خطوط جدید ژئوپلیتیکی

بعد از تحولات جهان عرب در سال ۲۰۱۱م، به واسطه بازیگران غیردولتی یک محیط امنیتی ناپایدار در سطح محلی، در زیرمجموعه امنیتی خلیج فارس و شام، و در چشم‌انداز وسیع‌تر در خاورمیانه ایجاد شد. در این سیستم، خطوط ژئوپلیتیکی جدیدی ترسیم شد که از آن به‌عنوان «محور مقاومت» و «محور سازش» تعبیر می‌شد. این مسئله موجب شد تا دولت‌ها اغلب با استفاده از بازیگران غیردولتی برای رفع نیازهای امنیتی و یا برای پیگیری اهداف استراتژیک، ژئوپلیتیک و ایدئولوژیک خود، دست به اتحاد و ائتلاف زند (خان و ژائوینگ^۱، ۲۰۲۰: ۱۰۴-۱۰۲).

درواقع، بر اساس واقع‌گرایی تدافعی و موازنه تهدید استفان والت، که در آن تاکید می‌شود در فقدان اتحادهای نظامی چندجانبه و دوجانبه رسمی، دولت‌ها سعی می‌کنند برای افزایش هزینه‌های تک قطب یا دولت تهدیدگر، قابلیت‌هایشان را افزایش دهند (بروکس و ولفورث^۲، ۲۰۰۲: ۸۸-۸۶)، برخی از بازیگران از جمله ج.ا.ایران سعی داشتند برای ایجاد توازن قدرت و جلوگیری از رویارویی مستقیم دولت-ملت و کاهش درگیری، از این بازیگران استفاده نمایند. در محیط امنیتی جدید که منطقه «جنگ خاکستری» نیز نامیده می‌شد -محیطی که نه کاملاً صلح‌آمیز است و نه آشکار خصمانه- دولت‌ها آشکارا یک محیط رقابتی را شکل دادند و درواقع، حالت نه صلح و نه جنگ را ایجاد کردند (جی هار، ۲۰۲۰: ۸۰).

۳-۱-۲. تغییر در سیاست‌گذاری امنیتی دولت‌ها

به دنبال لشکرکشی‌های نظامی آمریکا در افغانستان ۲۰۰۱م، عراق ۲۰۰۳م، بیداری اسلامی یا بهار عربی ۲۰۱۱م، محیط امنیتی منطقه‌ای تغییر یافت و به دنبال آن به خطرات امنیتی ج.ا.ایران و بعد سایر بازیگران دولتی از جمله عربستان سعودی، ترکیه و رژیم صهیونیستی افزود. بر اساس این، بسیاری از بازیگران و قدرت‌های منطقه‌ای و حتی جهانی، دکنترین و سیاست خود در غرب آسیا را تغییر دادند (پیرمحمدی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۹۸-۲۰۸).

1. Khan & Zhaoying

2. Brooks & Wohlforth

به‌عنوان مثال، ج.ا.ایران به‌جای «سیاست صبر و انتظار» تلاش کرد در کانون‌های اصلی منطقه حضوری فعال و همه‌جانبه داشته باشد و با تهدیدات امنیتی بالفعل و یا بالقوه، در مبدأ و دور از مرزهای سرزمینی خود مقابله کند. در ادبیات نظامی و امنیتی ایران از این راهبرد به‌عنوان «دفاع پیشرو» و یا «دفاع تهاجمی» یاد می‌شود. از جنبه‌های کلیدی استراتژی مذکور، استفاده از بازیگران غیردولتی در عراق، سوریه، لبنان، فلسطین و یمن است (سیبرگ^۱، ۲۰۱۶ الف: ۸-۱).

تحریم‌های همه‌جانبه غرب علیه جمهوری اسلامی ایران (سیبرگ، ۲۰۱۶ ب) و آنچه که «توماس جونو»^۲ (۲۰۱۵) به‌عنوان «تنهایی استراتژیک»^۳ یاد می‌کند، موجب شد تا ج.ا.ایران در زیرمجموعه امنیتی خلیج فارس و شام، یک کمر بند امنیتی که به نام «محور مقاومت» شناخته می‌شود، در اطراف مرزهای ناآرام خود ایجاد کند. رژیم صهیونیستی نیز یک عملیات مرسوم به «لبه حفاظتی»، دکتترین «اتحاد پیرامونی معکوس»، همچنین «کمپین بین جنگ‌ها»^۴ را به‌عنوان استراتژی جدید امنیتی خود تعیین کرد. عربستان سعودی نیز دکتترین خود مرسوم به «دکتترین بن سلمان» را عملیاتی کرد. ترکیه از سیاست «نئوعثمان‌گرایی» خود رونمایی کرد. ایالات متحده آمریکا نیز در دوره اوباما، سیاست «نگاه به شرق» را دستور کار خود قرار داد. بعد از شلیک ده‌ها فروند پهپاد و موشک ج.ا.ایران به سمت سرزمین‌های اشغالی در ۲۶ فروردین ۱۴۰۳ تحت عنوان «وعده صادق»، به نظر می‌رسد این مسئله نیز موضوع سیاست‌گذاری امنیتی رژیم صهیونیستی و دیگر بازیگران منطقه‌ای را با تغییراتی جدی مواجه خواهد ساخت.

۴-۲-۱-۴. گسترش قدرت ج.ا.ایران در غرب آسیا

بازیگران غیردولتی یکی از عوامل مهم قدرت و نفوذ ج.ا.ایران در منطقه غرب آسیا بعد از تحولات ۲۰۱۱ م. محسوب می‌شوند. این بازیگران با حرکت در مسیر منافع ج.ا.ایران، زمینه

1. Seeberg

2. Thomas Juneau

3. Strategic Loneliness

4. Paign between the Wars (CBW)

گسترش قدرت ژئوپلیتیکی ایران و رقابت مکانی برای سرزمین، مکان و فضا در غرب آسیا را فراهم کردند (روحی دهبنه، ۱۳۹۷: ۱۰۸). حماس، جهاد اسلامی، حزب‌الله، حشدالشعبی و انصارالله جایگاه نظامی و اطلاعاتی ایران در منطقه را افزایش داده‌اند. به‌علاوه حضور حزب‌الله لبنان در تحولات سوریه از سال ۲۰۱۱م. و مقابله با گروه‌های تروریستی داعش و جبهه‌النصره پررنگ بوده است. این گروه به همراه حماس و جهاد اسلامی به دلیل سابقه طولانی فعالیت در موضوع فلسطین، قدرت چانه‌زنی ج.ا.ایران و تأمین نظرات این کشور را در این موضوع ارتقاء داده‌اند (شفیعی و مرادی، ۱۳۸۸: ۵۵).

مرکز مطالعات استراتژیک^۱ در گزارشی با عنوان «شبکه‌های نفوذ ایران در خاورمیانه»^۲، بازیگران غیردولتی همسو با ج.ا.ایران را به‌مثابه مهم‌ترین تسلیحات ایران در منطقه محسوب می‌کند:

«تسلیحات برتر و یا نیروی نظامی بزرگ، دلیل قدرت ج.ا.ایران نیست، بلکه دلیل این توانمندی را بایستی در توانایی این کشور در بسیج اشخاص ثالث غیردولتی در درگیری‌های خود در منطقه جستجو نمود و اساساً همین موضوع است که به ج.ا.ایران نفوذ و موقعیت منطقه‌ای بیشتری نسبت به برنامه‌های هسته‌ای و موشک‌های بالستیک بخشیده است. ایران برای مقابله با برتری نیروهای متعارف کشورهای همسایه، با استفاده از شبه‌نظامیان نیابتی خود، می‌تواند برای تضعیف دشمنان خود عمل کند و از این طریق، موازنه قوای قابل‌توجهی را در منطقه به نفع خود رقم زند» (انستیتو بین‌المللی برای مطالعات استراتژیک، ۲۰۲۰: ۲۷-۱).

برخی محققان اشاره می‌کنند ج.ا.ایران از بازیگران همسو با خود نه به‌مثابه یک تاکتیک، بلکه به‌عنوان استراتژی نگاه می‌کند. ج.ا.ایران بر این اساس سعی می‌کند تا با استفاده از بازیگران همسو با خود، اهداف سیاست خارجی را محقق سازد (جی هار، ۲۰۲۰: ۷۹-۷۸).

۵-۱-۲-۴. ایجاد بازدارندگی منطقه‌ای برای ایران

ج.ا.ایران با مجموعه‌ای از تهدیدهای راهبردی در غرب آسیا مواجه است و به همین دلیل ناگزیر از به‌کارگیری بازدارندگی در مقابل آنها است. در این روند، بازیگران غیردولتی در

1. International Institute for Strategic Studies (IISS)
2. Iran's Networks of Influence in the Middle East

بازدارندگی ج.ا.ایران که از جنس اعمال مجازات متقارن و نامتقارن است، نقش کلیدی دارند. بحران تروریسم در عراق و سوریه نشان داد که چگونه قرار گرفتن حزب‌الله در کنار بشار اسد توانست پیروزی‌های چشم‌گیری در میدان نبرد رقم بزند. اگر حزب‌الله و حماس تصمیم بگیرند در جهت خواست ج.ا.ایران اقدام کنند، می‌توانند با راکت‌ها و موشک‌های خود خسارت قابل توجهی به اسرائیل وارد کنند. نتیجه این توان نظامی و به‌کارگیری آن در حمایت از ج.ا.ایران، ایجاد تردید در مقامات آمریکا برای استفاده از اقدام نظامی علیه ایران است (باقری دولت‌آبادی، ۱۳۹۲: ۶۴-۶۳).

حشدالشعبی در عراق در راهبرد بازدارندگی ج.ا.ایران نقش بارزی دارد. این گروه از طریق استقرار نیروهای مقاومت در مناطق جغرافیایی مهم عراق مانند استان الانبار که امکان جابجایی رزمندگان مقاومت و ارسال کمک‌های تسلیحاتی ارسالی از گذرگاه مرزی عراق-سوریه در این منطقه را فراهم می‌سازد؛ و از طریق افزایش نفوذ سیاسی گروه‌های مقاومت در ساختار قدرت عراق، در ارتقای عمق‌بخشی ج.ا.ایران به‌عنوان رهبر مقاومت، نقش بسیار مهمی دارد (وزیربان و دیگران، ۱۴۰۰: ۱۰۴-۱۰۲).

درحالی‌که آمریکا، غرب، و بازیگران منطقه‌ای، ج.ا.ایران را به‌عنوان تهدید اصلی خود تلقی می‌کنند و محیط امنیتی غرب آسیا با تحولات زیادی از جمله بهبود روابط اعراب با رژیم صهیونیستی مواجه شده است، بنابراین، ج.ا.ایران نیز سعی کرده است تا از تاکتیک و استراتژی گروه‌های فروملی برای پیشبرد اهداف خود استفاده نماید. در این میان، با توجه به پیوندهای مذهبی میان ج.ا.ایران و عراق، مقامات امنیتی ایران از نیروهای نزدیک به خود به‌مثابه ابزاری برای بازدارندگی در قبال حملات نظامی آمریکا با این باور که عراقی‌ها حمله به برادران مذهبی خود را تلافی می‌کنند، می‌نگرند (اسلاکمن، ۲۰۰۶). همین موضوع را می‌توان برای حزب‌الله لبنان و انصارالله در یمن که به لحاظ ایدئولوژیک پیوند زیادی با ج.ا.ایران دارند، به‌کار برد. حملات متعدد حزب‌الله لبنان به مواضع رژیم صهیونیستی و همچنین تحرکات انصارالله یمن در تنگه باب‌المندب علیه کشتی‌هایی که به

سمت رژیم صهیونیستی حرکت می‌کند، دلیل محکم دیگری برای صحت این ادعا می‌توان محسوب کرد.

بنا بر گزارش مؤسسه رند^۱ (طباطبایی و دیگران، ۲۰۱۹) یکی از دلایل اصلی حمایت ج.ا.ایران از گروه‌های فروملی، بازدارندگی و تحمیل هزینه به رقبای منطقه‌ای از جمله رژیم صهیونیستی، عربستان سعودی، امارات متحده عربی و همچنین آزار نیروهای آمریکایی در منطقه است؛ چرا که مقابله با رقبای منطقه‌ای هم فرصتی برای ایجاد یک موازنه قوای مطلوب است و هم اینکه ابزار مناسبی برای افزایش عمق استراتژیک ج.ا.ایران محسوب می‌شود.

۶-۲-۴. گسترش منازعه نیابتی

محیط آنارشیک منطقه غرب آسیا به همراه منافع مشترک بازیگران دولتی با بازیگران غیردولتی، زمینه را برای فعالیت مقدار زیادی از این بازیگران به‌عنوان یار نیابتی افزایش داده است. جنگ‌های نیابتی در غرب آسیا از سال ۲۰۱۱م. وضعیتی را سامان داده است که در آن قدرت‌های درگیر به‌جای ورود به جنگ مستقیم با یکدیگر، به‌وسیله حمایت‌های مالی، تسلیحاتی و تبلیغاتی از کشورها یا گروه‌های مسلح دیگر که با قدرت مقابل یا متحدان آن در جنگ هستند، سعی در تضعیف آن قدرت یا فشار بر آن نمایند (قیاسوند و ترکاشوند، ۱۳۹۶: ۱۷۶-۱۷۵).

جنگ یمن از منازعات نیابتی در غرب آسیا است. عربستان پس از روی کار آمدن ملک سلمان در ۱۵ مارس ۲۰۱۵م. در یمن مداخله نظامی کرد. در این منازعه، جنبش انصارالله به‌عنوان مهم‌ترین بازیگر غیردولتی همگرا با ج.ا.ایران در تقابل با عربستان قرار دارد. بحران سوریه از سال ۲۰۱۱م. تبدیل به منازعه نیابتی در غرب آسیا و عرصه زورآزمایی قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی گردید. ج.ا.ایران و حزب‌الله از ابتدا واقف بودند که سوریه نقشی راهبردی در آینده نظام این منطقه خواهد داشت. به‌طوری که تغییر جهت سیاست خارجی

سوریه به سوی جریان محافظه‌کار عربی موجب تغییر آرایش سیاسی نیروها در منطقه خواهد شد (قیاسوند و ترکاشوند، ۱۳۹۶: ۱۸۸-۱۸۷).

از منظر واقع‌گرایان تهاجمی، موضوع بقا، خودیاری، امنیت و قدرت عامل اساسی در رفتار کشورها است. بر همین اساس، ساختار آنارشیک منطقه‌ای و جهانی که رقابت بین دولتی نیز در آن افزایش یافته است، دولت‌های خاورمیانه را وادار ساخته تا از بازیگران غیردولتی حمایت کنند. از آنجایی که به اعتقاد واقع‌گرایان مهم‌ترین هدف یک دولت در سیاست خارجی، تأمین و تضمین امنیت و بقا در یک نظام بین‌الملل آنارشیک و خودیار است، در این راستا برخی دولت‌ها از جمله ج.ا.ایران برای تحقق اهداف ایدئولوژیک و منافع ملی خود، به دنبال اتحاد و یا رابطه با بازیگران و متحدان غیردولتی برآمده‌اند. در این راستا گفته می‌شود تمرکز ج.ا.ایران بر گروه‌های نیابتی بر اساس یک منطق استراتژیک ناشی از شرایط جدید خودیاری است که بر اثر ظهور ساختار جدید قدرت در نظام بین‌الملل و منطقه غرب آسیا پدیدار شده است (رومی و کاظمی، ۱۴۰۰).

۷-۱-۲-۴. افزایش رقابت‌های منطقه‌ای در غرب آسیا

یکی دیگر از تأثیرات بازیگران غیردولتی بر محیط امنیتی غرب آسیا بعد از تحولات ۲۰۱۱م.، افزایش رقابت‌های دولتی و استفاده بازیگران دولتی از این بازیگران برای رقابت و متعادل کردن رقبا بوده است. مطالعات تجربی این واقعیت را به اثبات رسانده است که وجود رقابت‌های بین دولتی، احتمال همکاری دولت‌ها با یاران نیابتی خود را به میزان زیادی افزایش می‌دهد (ماز و سن-آکا^۱، ۲۰۱۲: ۷۳۴-۷۲۰).

براساس اظهارات برخی محققان، رقابت‌های رو به رشد بین دولتی به همراه تهدیدات امنیتی بعد از ۲۰۱۱م.، دولت‌های خاورمیانه را برانگیخته است تا بازیگران غیردولتی را در خود جای دهند (فیندلی و دیگران^۲، ۲۰۱۲). همچنین، رقابت برای کسب هژمونی منطقه‌ای که یک واقعیت اجتماعی در صحنه غرب آسیا بعد از تحولات ۲۰۱۱م. بود، یکی از

1. Maoz, & San-Akca

2. Findley & et.al

واقعیات مهمی است که موجب گردید برخی از دولت‌های غرب آسیا، از بازیگران غیردولتی به‌عنوان بخشی از تلاش برای بازنگری یا حفظ وضع موجود استفاده کنند (بایمن^۱، ۲۰۰۵). برخی از محققان این استراتژی را به‌منزله فرصتی برای دولت‌ها می‌دانند که بر اساس آن می‌توانند مخالفان خود را متعادل سازند (سایدمن^۲، ۲۰۰۲: ۵۰-۲۷). به نظر می‌رسد ج.ا.ایران نیز به دلیل نوع سیاست خارجی و الگوی موردنظر خود که رقبای زیادی دارد، سعی می‌کند از گروه‌هایی چون حزب‌الله، حماس، جهاد اسلامی، حوثی‌ها و... حمایت کند تا رقبای خود را متعادل سازد.

۲-۲-۴. ابعاد ذهنی نقش بازیگران غیردولتی همسو با ج.ا.ایران بر محیط امنیتی غرب آسیا

بازیگران غیردولتی همسو با ج.ا.ایران علاوه بر بعد عینی، در بعد ذهنی نیز تأثیرات زیادی بر محیط امنیتی غرب آسیا گذاشته‌اند. مردم و رهبران منطقه با درک و برداشت از محیط عینی سعی داشته و دارند تا روند تحولات را به نفع خود رقم بزنند. مهم‌ترین تأثیراتی که بازیگران غیردولتی بر محیط امنیتی غرب آسیا در ابعاد ذهنی داشته‌اند را می‌توان به‌صورت زیر برشمرد:

۱-۲-۲-۴. ارتقاء قدرت نرم ایران

ج.ا.ایران از ابتدای انقلاب اسلامی با توجه به منابع قدرت نرم خود نظیر: فرهنگ تاریخی، ارزش‌های دینی، انقلابی و سیاسی نیز از ظرفیت بالایی در منطقه برخوردار است. تأکید بازیگران غیردولتی نظیر حزب‌الله بر ویژگی‌های برآمده از انقلاب اسلامی مانند شهادت‌طلبی، معنویت‌گرایی، علم‌گرایی، اخلاق‌باوری، ولایت فقیه، مقابله با اشغالگران، حمایت از مستضعفین، مبارزه با تروریسم و... به‌معنای افزایش قدرت نرم ج.ا.ایران است. این بازیگران غیردولتی با تأثیرپذیری از ایران ضمن افزایش اقتدار خود در منطقه، باعث افزایش قدرت نرم ایران شده‌اند (عباسی و دیگران، ۱۴۰۱). نقش ج.ا.ایران در پایه‌گذاری و

ارتقای تحرک حشدالشعبی در عراق با الگوبرداری از بسیج ایران و سازماندهی گروه‌های مقاومت انصارالله یمن، لشکر زینبیون و فاطمیون جلوه‌ای از قدرت نرم ایران است.

ج.ا.ایران به موازات کمک‌های مستشاری و انتقال تجربیات متعدد فرهنگ دفاعی کشور به نیروهای مسلح عراق و سوریه در جنگ با داعش، با طرح «دفاع از حرم» میان عوامل «سخت» و «نرم» قدرت ملی و منطقه‌ای خود پیوند ایجاد کرد. ایران در عرصه دیپلماتیک هم با تداوم حمایت از سوریه و عراق، با روسیه تقارن منافع راهبردی یافت و با استفاده از ظرفیت نظامی و دیپلماتیک روسیه و تا حدی چین، عمق راهبردی خود را تحکیم بخشید.

حمایت ج.ا.ایران از ائتلاف فتح به رهبری «هادی العامری» به‌عنوان هسته اصلی حشدالشعبی در انتخابات پارلمانی ۲۰۱۹م. عراق، یکی دیگر از اهرم‌های قدرت نرم ایران محسوب می‌شود. در سال‌های ۲۰۲۲-۲۰۱۹م. با وجود اختلاف جریان‌های سیاسی، کماکان وزن راهبردی ج.ا.ایران در تحولات سیاسی بغداد حفظ شد. از سوی دیگر، گذار سوریه از وضعیت بی‌ثباتی و جنگ داخلی را می‌توان برآیند پیروی از فرهنگ مقاومت دانست.

حمایت ج.ا.ایران از طوفان الاقصی در ۷ اکتبر ۲۰۲۳م.، یکی دیگر از عواملی است که به اعتقاد نگارنده موجبات افزایش قدرت نرم ایران در منطقه را فراهم ساخته است. حساسیت افکار عمومی و تظاهرات در دانشگاه‌های مختلف آمریکا و اروپا نسبت به تراژدی انسانی در غزه، همچنین تمجید بسیاری از نخبگان، تحلیل‌گران، رسانه‌ها و افکار عمومی جهان اسلام و غرب از دولت، مردم و رهبری ایران به‌عنوان حامی واقعی مردم مظلوم فلسطین را می‌توان از جمله نمونه‌های بارز ارتقای قدرت نرم ج.ا.ایران در منطقه و جهان محسوب کرد.

۲-۲-۲-۴. برآمدن الگوهای هنجاری نوپدید

بازیگران غیردولتی نقش بالایی در برآمدن و تثبیت الگوهای هنجاری جدید در محیط امنیتی غرب آسیا داشته‌اند. الگوی هنجاری مسلط این منطقه در دهه‌ها «ذهنیت» و «اعتقاد» به برتری آمریکا و توان غیرقابل چالش آن در معادلات منطقه بود؛ اما در شرایط جدید نیز اعتقاد و اعتماد به توان آمریکا و موقعیت ساخت قدرت، مکانیسم‌های نظم‌دهنده و دخالت

مؤثر در منطقه حتی در بین متحدان واشنگتن مانند ترکیه و مصر مورد تردید قرار گرفته است. در مقابل، هنجار «مقاومت» و «اعتقاد و باور» به امکان مخالفت با سیاست‌های آمریکا از سوی کشورهای منطقه مانند ج.ا.ایران و هم قدرت‌های فرامنطقه‌ای مانند روسیه تقویت شده است. این «ذهنیت» در منطقه در حال گسترش است که می‌توان روندهایی را بدون آمریکا یا حداقل «در کنار آمریکا» رقم زد. همچنین این باور که روندسازها و موازنه‌گرهای جدید توان تعریف ترتیبات جدید سیاسی، اقتصادی و امنیتی در منطقه بدون آمریکا یا حداقل در کنار آمریکا را دارند، در حال تبدیل به یک هنجار است (نوری، ۱۳۹۹: ۸۹-۸۸).

این موضوع از یک طرف ظرفیت کنشگری بازیگران غیردولتی را گسترش داد و از طرف دیگر معادلات قدرت بین‌دولتی را دگرگون نمود. با توجه به این نکته که دگرگونی‌های محیط امنیتی منطقه تحت تأثیر انعکاس هویت ملت‌های منطقه در عرصه سیاسی، عمومی و هویت اسلامی بود که باعث چالش گفتمان‌های سکولار شد، لذا بازیگران فرامنطقه‌ای همچون آمریکا که انگاره و هنجارهای خود را در خطر می‌دیدند، درصد ایجاد قطب‌بندی‌های جدید همچون بهره‌گیری از رویکرد موازنه‌سازی عربی برآمدند (دهشیری و مقامی، ۱۳۹۴: ۱۷۳).

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادات

تحولات سیاسی و اجتماعی در مجموعه امنیتی خلیج فارس و شام، شرایط را برای بازیگران غیردولتی فراهم ساخت. در فرایند پیچیده و دیالکتیکی منطقه، بازیگران غیردولتی سعی کردند تا با استفاده از این بازیگران اهداف و منافع خود را در سطح منطقه‌ای و جهانی برآورده سازند. در بررسی این بازیگران که برخی از محققان آنها را به بازیگران خشن و غیرخشنونت‌آمیز تقسیم‌بندی کرده‌اند؛ برخی از آنها همسو با اهداف و جهت‌گیری‌های منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران و برخی دیگر غیرهمسو و مخالف بوده‌اند. همان‌طور که در این نوشتار بیان شد حزب‌الله لبنان، جهاد اسلامی و حماس فلسطین، حشدالشعبی در عراق و انصارالله یمن در زمره بازیگران غیردولتی محسوب می‌شوند که همسو با اهداف

ج.ا.ایران در منطقه هستند و در سوی دیگر داعش، القاعده و دیگر گروه‌های وابسته به آنها، مغایر و غیرهمسو تشخیص داده شدند.

اگر محیط امنیتی را فضایی بدانیم که بازیگران با استفاده از قابلیت‌های موجود سعی می‌نمایند تا اهداف خود را تأمین کنند و یا اگر آن را مجموعه‌ای از عوامل محاط کننده عینی و ذهنی تلقی کنیم، در پی تحولات ۲۰۱۱م، دولت‌های منطقه‌ای و جهانی سعی داشتند تا برای تحقق اهداف منطقه‌ای خود و دفع تهدیدات، آنها را در ملاحظات امنیتی خود جای دهند. در واقع، ترکیبی از عوامل عینی-جغرافیایی و ذهنی موجب شد تا رهبران منطقه اولویت‌ها و استراتژی‌های خود را متناسب با تحولات جدید و با استفاده از این بازیگران تغییر و شکل دهند.

نقش آفرینی بازیگران غیردولتی در محیط امنیتی غرب آسیا بعد از ۲۰۱۱م. موجب شد تا قبلاً که موضوعات منطقه بیشتر در قالب قدرت سخت و تهدیدات سنتی تبیین می‌شد، به سمت تهدیدات و موضوعات جدید امنیتی کشیده شود. همچنین، تا قبل از این تحولات که بیشتر به بازیگران دولتی پرداخته می‌شد، و بازیگران غیردولتی جای چندانی در مطالعات روابط بین‌الملل و امنیتی نداشتند، نقش آفرینی بازیگران غیردولتی موجب شد تا در بسیاری از تحقیقات به آن‌ها پرداخته شود. در این زمینه، بحث‌های نظری زیادی را دامن زده است. علاوه بر این، اگر محیط امنیتی را به دو دسته داخلی و بین‌المللی تقسیم کنیم، بر اساس تحلیل مجموعه امنیتی باری بوزان، می‌توان عنوان کرد که بازیگران غیردولتی هر چهار سطح (داخلی، منطقه‌ای، بین‌منطقه‌ای و جهانی) را با چالش مواجه ساخته‌اند. در سطح داخلی (بحران‌های سیاسی، هویتی، اجتماعی و حاکمیتی)، سطح منطقه‌ای (الگوی جدیدی از دشمنی، رقابت و دوستی، اتحادها و ائتلاف‌ها) و در سطح جهانی با کشانده شدن قدرت‌های خارجی به منطقه محیط منطقه‌ای غرب آسیا آنارشیک‌تر گردید و فضای تنش، درگیری و رقابت در منطقه تشدید شد. جمهوری اسلامی ایران به واسطه تنهایی استراتژیک، نوع سیاست خارجی و همچنین مواجه شدن با تهدیدات مختلف و

تحریم، مهم‌ترین دارایی خود را در سطح منطقه‌ای، بازیگران غیردولتی دیده و از این جهت، حمایت از این بازیگران را در دستور کار خود قرار داد.

بازیگران غیردولتی در دو بعد عینی و ذهنی بر محیط امنیتی غرب آسیا تأثیرات زیادی داشته‌اند. در بعد عینی، این بازیگران نظم دولت‌محور و حاکمیت دولت‌ها را زیر سؤال برده و خطوط جدید ژئوپلیتیکی را ترسیم کرده‌اند. همچنین گسترش منازعه نیابتی و افزایش رقابت‌های منطقه‌ای را می‌توان از جمله موارد مهم دیگر تأثیرات بازیگران غیردولتی در بعد عینی دانست. در بعد ذهنی نیز ارتقاء قدرت نرم ج.ا.ایران، پدید آمدن مؤلفه‌های جدید هنجاری و افزایش معمای امنیت از جمله تأثیرات بازیگران غیردولتی همسو با ج.ا.ایران بر محیط امنیتی غرب آسیا را می‌توان از تأثیرات بازیگران غیردولتی به‌شمار آورد.

البته باید توجه داشت که بازیگران غیردولتی در بعد زیست‌محیطی، هویتی و اجتماعی نیز تأثیرات زیادی بر منطقه داشته‌اند، که کمتر به آن پرداخته شده است. علاوه بر این بهتر است یک آینده‌پژوهی از تأثیرات این بازیگران بر نظم منطقه‌ای صورت گیرد. در نهایت، تأثیراتی که عملیات طوفان الاقصی بر محیط امنیتی غرب آسیا می‌تواند داشته باشد، موضوع دیگری است که ضرورت دارد تا در تحقیقات جدید به آن توجه شود.

منابع

الف - فارسی

- افشون، تورج؛ الله کرم، عبدالحسین (۱۳۹۶). «مقایسه رویکرد امنیتی آمریکا و حشدالشعبی در عراق؛ عملکرد و چشم انداز»، *فصلنامه مطالعات روابط بین الملل*، ۱۱(۴۲)، ۷۲-۴۱.
- امام جمعه زاده، جواد؛ نقدی، جعفر (۱۳۹۰). «ساختار دولت در خاورمیانه»، *فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین المللی*، ۳(۹)، ۸-۱.
- آقایی، داود؛ نورعلی وند، یاسر (۱۳۹۸). «محیط امنیتی و سیاست گذاری خارجی و امنیتی؛ ارائه یک الگوی تحلیلی»، *فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست گذاری عمومی*، ۹(۳۳)، ۲-۲۲.
- باقری دولت آبادی، علی (۱۳۹۲). «نقش عنصر بازدارندگی در راهبرد نظامی ایران»، *فصلنامه سیاست دفاعی*، ۲۲(۸۵)، ۳۷-۸۸.
- بوزان، باری (۱۳۸۹). *مردم، دولت ها و هراس*. ترجمه گروه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بوزان، باری؛ ویور، الی (۱۳۸۸). *مناطق و قدرت ها: ساختار امنیت بین الملل*. ترجمه قهرمان پوربناب، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- پیرمحمدی، سعید؛ نیاکویی، سیدامیر و سیمبر، رضا (۱۴۰۰). «نقش بازیگران مسلح غیردولتی در سیاست گذاری ایران، ترکیه و عربستان سعودی در خاورمیانه»، *فصلنامه سیاست گذاری عمومی*، ۷(۳)، ۲۱۱-۱۹۳.
- دهشیری، محمدرضا؛ حسینی، مجتبی (۱۳۹۸). «جایگاه گروه های فلسطینی در دیپلماسی مقاومت جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه گفتمان راهبردی فلسطین*، ۱(۲)، ۴۲-۲۷.
- دهشیری، محمدرضا؛ مقامی، اسماعیل (۱۳۹۴). «بیداری اسلامی و شکل گیری هندسه جدید خاورمیانه»، *فصلنامه پژوهش های سیاسی جهان اسلام*، ۵(۴)، ۱۸۰-۱۵۷.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۹۴). *اصول و مبانی روابط بین الملل*. جلد اول، تهران: نشر سمت.
- روحی دهنه، مجید (۱۳۹۶). «خاورمیانه پس از تحولات ۲۰۱۱ میلادی؛ بحران دولت ملی و نظم منطقه ای»، *فصلنامه دولت پژوهی*، ۳(۱۲)، ۱۰۵-۷۱.

- روحی دهنه، مجید (۱۳۹۷). *ایران، عربستان، ترکیه و خاورمیانه پس از ۲۰۱۱: شطرنج راهبردی رقابت بر سر نظم نوین منطقه‌ای*. تهران: پژوهشکده مطالعات کاربردی قلم.
- رومی، فرشاد؛ کاظمی، احسان (۱۴۰۰). «جایگاه گروه‌های نیابتی در راهبرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه سیاست جهانی*، ۹ (۱)، ۱۶۲-۱۳۱.
- زارغان، احمد (۱۴۰۲). «رابطه دولت عراق و گروه‌های شبه‌نظامی پس از ۲۰۱۴ (مطالعه موردی حشدالشعبی)»، *فصلنامه دولت پژوهی*، ۹ (۳۳)، ۳۵-۷۳.
- زمانی، قاسم؛ زمانیان، سورنا (۱۳۹۵). «شناسایی بازیگران غیردولتی در درگیری‌های نظامی سوریه»، *مجله تحقیقات حقوقی*، ۱۹ (۷۳)، ۱۰۵-۷۹.
- سازمند، بهاره؛ معصومی زارع، هادی (۱۳۹۹). «الگوی سه‌بعدی تحلیل منطقه‌گرایی سیاسی بازیگران فراملی (با نگاهی به تجربه جنبش‌های امل و حزب‌الله لبنان)»، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، ۵ (۳)، ۱۵۶-۱۲۹.
- شفیعی، نوذر؛ مرادی، احمد (۱۳۸۸). «تأثیر جنگ ۳۳ روزه لبنان بر موقعیت منطقه‌ای ایران»، *فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی*، ۱ (۱)، ۶۴-۴۱.
- عباسی، کریم؛ قائم‌پناه، صمد؛ شمسینی غیاثوند، حسن؛ و اطهری، سید اسدالله (۱۴۰۱). «قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران و جنبش‌های اسلامی جهان اسلام: نمونه موردی حزب‌الله لبنان»، *دو فصلنامه مطالعات قدرت نرم*، ۱۲ (۲)، ۲۷۹-۲۵۹.
- عراقی، عبدالله (۱۳۹۴). «نقش حزب‌الله لبنان در امنیت منطقه غرب آسیا (خاورمیانه) با تأکید بر حمایت و پشتیبانی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه سیاست دفاعی*، ۲۴ (۹۳)، ۱۴۲-۱۰۱.
- غرایاق زندی، داود (۱۳۸۷). *محیط امنیتی پیرامون جمهوری اسلامی ایران (مجموعه مقالات)*، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- فوزی، یحیی؛ بخشی، عباسعلی (۱۳۹۵). «وجوه اشتراک و افتراق اندیشه سیاسی جنبش حماس با اندیشه سیاسی انقلاب اسلامی ایران»، *فصلنامه اندیشه سیاسی در اسلام*، ۳ (۷)، ۹۹-۱۲۲.
- قیاسوند، فاطمه؛ ترکاشوند، جلال (۱۳۹۶). «آمریکا، جنگ‌های نیابتی و امنیت خاورمیانه»، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، ۷ (۴)، ۲۰۷-۱۶۹.

- محمودی رجا، زکریا؛ باقری دولت‌آبادی، علی؛ و راوش، بهنام (۱۳۹۷). «بررسی محور مقاومت و آینده نظام سلطه با استفاده از نظریه نظام جهانی»، *دوفصلنامه مطالعات بیداری اسلامی*، ۷ (۱۴)، ۷-۲۸.
- مسعودنیا، حسین؛ قربانی، سعید (۱۳۹۵). «تأثیر جمهوری اسلامی ایران بر شکل‌گیری گروه جهاد اسلامی در فلسطین»، *فصلنامه تخصصی علوم سیاسی*، ۱۲ (۳۷)، ۹۷-۱۱۹.
- نجات، علی؛ موسوی، سیده راضیه؛ و صارمی، محمدرضا (۱۳۹۵). «راهبرد عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران یمن»، *فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل*، ۹ (۳۳)، ۱۳۷-۱۷۹.
- نوری، علیرضا (۱۳۹۹). «چالش نظم هژمونیک، ثبات و موازنه در خاورمیانه: رویکرد و همکاری ایران و روسیه»، *فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی*، ۱۱ (۴)، ۷۷-۱۰۸.
- وزیریان، امیرحسین؛ گل‌محمدی، ولی؛ و علیزاده، علی (۱۴۰۰). «ارزیابی نقش محور مقاومت در بازدارندگی ناهم‌تراز ج.ا.ایران در برابر سیاست مهار آمریکا»، *فصلنامه راهبرد دفاعی*، ۱۹ (۷۴)، ۸۷-۱۱۴.
- هدایتی شهیدانی، مهدی؛ رضاپور، دانیال (۱۳۹۹). «سازوکار تأثیرگذاری بازیگران غیردولتی خشونت‌گرا بر دشواره‌های دولت ملت در کشورهای خاورمیانه»، *فصلنامه مطالعات خاورمیانه*، ۲۷ (۳)، ۱۰۳-۱۲۵.

ب- انگلیسی

- Azizi, Hamidreza; and Vazirian, Amir Hossein (2022). "The Role of Armed Non-State Actors in Irans Syria Strategy: A Case Study of Fatemiyoun and Zainabiyoun Brigards", *Jouranal of Balkan and Near Eastern Studies*, 25 (3), 540-557
- Avant, Deborah; Finnemore, Martha; and Sell, Susank (2010). *Who Governs the Globe?*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Brooks, Stephen; and Wohlforth, William C. (2005). "Hard Times for Soft Balancing", *International Security*, 30 (1), 72-108, Available at: <https://digitalcommons.dartmouth.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=3652&context=facoa>.
- Byman, D. (2005). *Deadly Connections: States that Sponsor Terrorism*. Cambridge, UK: Cambridge University Press.

- Dallas-Feeney, Christopher. P. (2019). “*Violent Non-State Actors in the Middle East: Origins and Goals*”, Available at: <https://www.e-ir.info/2019/05/28>.
- Darwich, May (2021). “Foreign Policy Analysis and Armed Non-State Actors in World Politics: Lesson from the Middle East”, *Foreign Policy Analysis*, 17(4), 1-11.
- Findley, M.; Piazza, J.; & Young, J. K. (2012). “Games Rivals Play: Terrorism in International Rivalries”, *SSRN Electronic Journal*, 74 (1), 235–248.
- J.Harr, Maj. Scott. (2020). “Trans-Rational: Iran’s Transnational Strategy for Dominance and Why It Cannot Survice Great Power Competition”, *Military Review The Professional Journal of the U.S. Army*, March-April, Available at: <https://www.armyupress.army.mil/portal/7/military-review/Archives/English/MA-20/Harr-Trans-Rational.pdf>.
- Juneau, Thomas (2015), “Containing the Islamic State”, *Middle East Policy*, 22 (3), 36-43.
- International Institute for Strategic Studies (IISS). (2020). “Iran's Networks of Influence in the Middle East”, *IISS Strategic Dossiers*, Retrieved from: <https://www.iiss.org/publications/strategic-dossiers/iran-dossier>.
- Kamrava, Mehran (2018). “Hiearchy and Instability in the Middle East Regional Order”, *International Studies Journal (ISJ)*, 14 (4), 1-35.
- Khan, Akbar, Zhaoying, Han (2020). “Iran-Hezbollah Alliance Reconsidered: What Contributes to the Survival of State-Proxy Alliance?”, *Journal of Asian Security and International Affairs*, 7 (1), 101-123.
- Maoz, Z.; & San-Akca, B. (2012). “Rivalry and State Support of Non-State Armed Groups (NAGs) 1946–2001”, *International Studies Quarterly*, 56 (4), 720–734.
- Saideman, S. M. (2002). “Discrimination in International Relations: Analyzing External Support for Ethnic Groups”, *Journal of Peace Research*, 39 (1), 27–50.
- Seeberg, Peter (2016 A). *Analysing Security Subcomplexes in a Changing Middle East-the Role of Non-Arab State Actors and Non-State Actors*, PP (1-8), Palgrave Communications, Doi:10.1057/palcommes.2016.87.
- Seeberg, Peter (2016 B). *The EU and the International Sanctions against Iran: European and Iranian Foreign and Security Policy Interstts, and a Changing Middle East*. Palgrave Communication.
- Slackman, Michael (2006). “Iraqi Ties to Iran Create New Risks for Washington”, June 8, *The NewYork Times*, Available at: <https://www.nytimes.com/2006/06/08/world/middleeast/08iran.html>.
- Tabatabai, Ariane M.; Martini, Jeffrey; and Wasser, Becca (2019). “*The Iran Threat Network (ITN), Four Models of Irans Nonstate Client Partnerships*”, Available at: www.rand.org/t/RR4231.
- Valensi, Carmit (2021). “*Alliances with Violent Non-State Actors in Middle East Conflicts: Between Theory and Practice*”, Available at:

<https://www.iemed.org/publication/alliances-with-violent-non-state-actors-in-middle-east-conflicts-between-theory-and-practice>

- Yesiltas, Murat; Kardas, Tuncay; Jacoby, Tim (2022). “Rethinking Non-State Armed Actors and Sovereignty”, *International Politics*, 60 (9), 1-6.